**باب ششم - معنی نصرت**

جمال قدم جل جلاله میفرمایند قوله تعالی :

**بنام دوست ظاهر و هویدا**

یا علی انشاء الله بنفحات قمیص بیان الهی فائز باشی و از فیوضات سحاب رحمت رحمانی قسمت بری از هنگام رجوع الی حین بعنایت رب العالمین فائزی کن قائما علی خدمة مولاک بالحکمة انه یغنیک فضلا من عنده و یؤیدک امرا من لدنه ان ربک لهو المقتدر القدیر در چند مقام ذکرت از قلم اعلی نازل انک لا تنظر الی الیمین و الشمال ان انظر افق ارادة ربک ثم اذکره خالصا بوجهه انه یسمع و یری و یکون لمن معه کما کان انه لهو المبشر الصادق الحکیم

یا محمد فرد احد در سجن اعظم جمیع را الی الله دعوت نمود و باعلی البیان حجت و برهان را ظاهر فرمود بعضی بمجرد اصغا من غیر توقف از رحیق وحی آشامیدند و برخی بسبب حجبات مانعه از افق ظهور محروم و ممنوع شدند سبب و علت این امور آنکه مبینی که الی الله ناظر باشد منقطعا عن الکل و لله تکلم نماید متوجها الی الکل کما ینبغی ظاهر نه ناس مربی لازم دارند باید نفوس مستقیمه ثابته راضیه مرضیه در جمیع احوال به تبلیغ امر الهی بکمال حکمت مشغول باشند یابن اسمی الاصدق علیه عنایتی و رحمتی و بهائی بشر العباد بفضلی و ذکرهم بما نزل فی کتابی در اکثر الواح الهی مقصود از نصرت بکمال وضوح ذکر شده معذلک مشاهده میشود اکثری علی ما ینبغی آگاهی نیافته اند بعضی عرایض از اطراف رسیده مشاهده شد فساد را نصرت دانسته اند و اذیت عباد را محبوب شمرده اند و این نیست مگر از عدم اطلاع احبا قسم بآفتاب افق بیان که اگر نفسی الیوم باذیت نفسی راضی شود بمثابه آنست که باذیت نفس حق راضی شده باید جمیع باین کلمه محکمه الهیه مطلع شوند و باستماع آن فائز بسیار عجب است از نفوسی که تا حین مقصود از نصرت را ادراک ننموده اند لعمر الله انه ینصر امره بالحکمة و البیان هذا ما انزله الرحمن فی اکثر الالواح ان ربک لهو المبین الحکیم حکمة الله مهیمن و غالب بوده و خواهد بود یک عمل خالص بمنزله سراج است ما بین آسمان و زمین و راه را مینماید و غافلین را بخود دلالت میکند قل ان استمعوا یا قوم ما نطق به لسان العظمة فی کتابه الاقدس الاعظم المبین جمیع نفوسی که از رحیق مختوم آشامیده اند تکبیر برسان و بگو باید در ایام الهی بشأنی ظاهر باشید که کدورات معرضین و اشارات مغلین و حجبات غافلین شما را از صراط مستقیم منع ننماید تمسکوا بالله و دعوا ما سواه عن ورائکم مستقیمین علی هذا الامر الذی به تزلزلت الارکان فی الامکان البهاء علیک و علیهم و علی من معک و علی اهلک من لدن فضال کریم” انتهی